

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical	تاریخی
------------	--------

نویسنده: نجیب سخی

۱۹ جون ۲۰۱۵

هجوم ضد فرهنگ و افغانستان در مسیر تارخ

این که می‌بینی خلاف آدم اند – نیستند آدم غلاف آدم اند «مولوی»

به وسیله نوشته های فرزندان مرحوم میر غلام محمد غبار اطلاع حاصل کردیم، که فرد مشهد نشینی به نام کاظم کاظمی؛ در شرائطی که دیگر افغانها را از مشهد اخراج می کنند؛ اما او افغانستان در مسیر تاریخ را بدون اجازه و استشارة قانونی؛ ایرانی نویسی کرده است؛ با وجود در خواست و ممانعت خانواده مرحوم غبار؛ او مانند کسی که اجرت اینکار را از قبل دریافت کرده باشد؛ این دستبرد را به سر رسانیده است!

در حقیقت طرز ادای اصطلاحات، مرادفات محیطی و شکل گرامری زبان دری، که در آن لحن کلام، آهنگ زبان و سکه صدای این مؤرخ نهفته است؛ آن را با دستنویس خورده کاتب ایرانی قلم و ایرانی صدا عوض کرده اند.

اگر تاریخ بیهقی را از ادبیات بیهقی منزوی کنیم، سیاق کلام و عطر زمان و دوران بیهقی را از آن زدوده ایم؛ اگر ادبیات و طریق بیان علامه ابوالفضل را از آئین اکبری بیرون کنیم، این کتاب به روایت خشکی مبدل می گردد؛ چنانچه ترجمه اردوی آن شاهد این مدعاست.

تنها از طریق طرز بیان و ادبیات کاتب فیض محمد هزاره در سراج التورخ ما آگاه می شویم، که ملت ستمکش هزاره، قربانی چه ظلم و جنایت هولناکی در عصر امیر عبدالرحمان شده بودند.

دولت ایران مشتی افراد بی خبر و سبک مغز را مورد نوازش و تنقید اداری، مطبوعاتی، و ... قرار داده است، در نتیجه این هیچمدانان خود را چیزدان تصور کرده؛ لهذا آنها را در نقش مؤرخ، ادیب، شاعر، و ... کوک کرده و می چرخاند! (۱)؛ و اگر نه شخصی که حداقل قریحه و سواد داشته باشد؛ می داند که ادبیات مؤرخ معرف احاطه و شناسائی او در موضوع مورد بحث اش است، یعنی ادبیات در زبان اصلی مؤرخ بخش جدا ناشدنی از تاریخی که نوشته است می باشد؛ لهذا تحریف این ادبیات تحریف بحث تاریخی است؛ آیا اینها مقصد دیگری دارند به جز از تحریف تاریخ، زبان و فرهنگ ما؟!

اگر تاج التورخ ایرانی نویسی شده را بخوانیم؛ ما با ادبیات نیمه پارانوگرافی مجله های زن روز و اطلاعات هفتگی عصر محمد رضاشاه مواجه می شویم، که این نزول سطح قلب هر افغان با احساس را جریحه دار می سازد، که تاج التورخ یا هر اثر دیگر مربوط به تاریخ، سنت و روایت ملت ما مستحق چنین بیعرضگی و بیحرمتی نیستند!!
این ایرانی نویسی ها برای ما واقعاً ماتم و عزای فرهنگی هستند؛ لهذا به تمام ملت افغان و مخصوصاً اهل قلم و

فرهنگ؛ جدا از موضع و نظر شان در مورد اثر مرحوم غبار ؛ فرض است، که به پا ایستاده شوند تا آهنگ کلام این مؤرخ بزرگ را سلاخی و سانسور نکنند ! ؛ زیرا این دشمنان علم و آگاهی ملت ما ؛ به همین نکته اکتفاء و بسنده نخواهند کرد .

راد مردی که عمر را در زندان ، تبعید و تبعیض به سر برد ؛ اما تاریخ این ملت را نوشت ؛ نباید اجازه داده شود، که مشتئی افراد معلوم الحال ، ادبیات و زبانش را زندانی ایرانی نویسی فارسی شیرازی بسازند . !

او در خانواده دری زبان تولد شده ، در دامن پاک و پر از مرحمت مادری بزرگ شده ، که با همین زبان درس مردم داری و وطنپرستی را برایش آموخته است ، این مؤرخ با همین زبان دری فکر کرده ، و در همین زبان نوشته کرده ، و در حالی که به همین زبان تکلم می کرد ؛ این جهان را وداع نموده است.

این بالاتر از استعمار فرهنگی در یک جهت و فرهنگ فروشی در جهت دیگر قضیه است ، که بسباق کلام ، جهت و مرام سخن مؤرخ را با تعویض کلمات ، اسماء و افعال تغییر بدهند؛ یا این که صادقانه، و درشت بنویسند که به زبان ایرانی ترجمه شده است ؛ تا همه بدانند که این متن اصلی و کلام نویسنده نیست ؛ در صورت غیر، تاریخ خاکفروشان و فرهنگ فروشان را در عین ترازو وزن می کند.

پایان

۱- این شیوه را انگلیس زیاده از دوصد سال می شود که اختراع نموده است ، یعنی مهره ها و دستیاران آینده خود را از قبل زیر نام شاعر ، فیلسوف، مؤرخ ، عالم دین و غیره، معروف و مشهور می سازد ؛ تا گاهی که این مهره ها فعال می شوند؛ موجودیت شان شک و تردید خلق نکند.